وقتی همه خوابیدند

محمودسماک‌باشی

وقتی صحبت از مشکلات سینما بود، یاد فیلم «وقتی همه خوابیم» بهرام بیضایی افتادم و در حقیقت آرزویی هم ندارم جز بیدار شدن از خواب!

نگران سینما باشیم

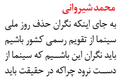

محمد شیروانی

به جای اینکه نگران حذف روز ملی سینما از تقویم رسمی کشور باشیم باید نگران این باشیم که سینما از دست نرود چراکه در حقیقت باید سینمایی باشد تا برایش روزی مشخص کنیم و جشن بگیریم.

دیوار سینما

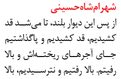

شهرام‌شاه‌حسینی

از پس این دیوار بلند، تا می‌شد قد کشیدیم. قد کشیدیم و پاگذاشتیم جـای آجرهـای ریخـتاش و بالا رفتیم بالا رفتیم و نتردسیدیم، بالا رفتیم چون عشـق داشـتیم. این دیوار صاف و بلند خیلی‌ها را عاشـق خود کرده بود. قبـل از ما، وقتی که دیوار صیقلی‌تر از اینهـا بود خیلی‌هـا ازش بـالا رفته بودند. عجـب جان و عشـقی داشـتند آنها! از دیوار بالا رفتیم و نرسـیدیم! هرچه بالاتر رفتیم بیشـتر نرسـدیم. به پایین نـگاه کردیم، راهی نیامده بودیم! گویی یک پله این همه خسـتگی و جور عشق کشـیدن برای یک پله؟ مگر می‌شـود؟ راه نرفته را برگردیم یا به بی‌نهایت این دیوار فکر کنیـم؟ در همین فکرها بودیم کـه... آن سوی دیوار چشم‌اندازی وسیع توأمان از عشق و نفرت بود! عشـقی که از سینما داشـتیم و نفرتی که می‌رفت دیگر نداشته‌باشیمش.

استعدادهای جوان را دریابیم

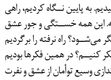

خسروسینائی

به خاطر نوع کارم و شرایط سلامتی‌ام در یکی دو سال اخیر خیلی در جریان مشکلات نیسـتم. اما می‌توانم ادعا کنم در طول یک دهه گذشته سینما شاخص‌ترین معرف فرهنگی کشور در سطح بین‌المللی بوده است و بر این اسلی آرزو می‌کنم این روند ادامه یابد. امیدوارم برای فیلمسازان جوان، شرایط کار فراهم شود و استعدادهای جـوان بتوانند امکان تولید و ارایه کارهایشـان را بیابند زیرا تا زمانی که کاری دیده نشـود و در جشنواره‌ها و فستیوال‌ها به نمایش درنیاید زحمت‌ها دیده نمی‌شود. آرزو دارم هر سـالهای که بین مسـوولان سینما و اهالی سینما اختلاف ایجاد شده است به شکلی که به نفع سینما باشد حل شود. بادمان باشد همه زیر یک سـقف و در یک مملکت زندگـی می‌کنیم؛ پس هر نوع اختلافی که بخواهد به سود سینما و بدنه آن لطمه بزند مایه تأسف خواهد بود. ریشه اختلافات اگر شجـب است یا به طور تفکرها می‌گردد باید جلوی شـود. مهم نیست که من در مقام یک شـخص، نسـبت به دیگری چگونه فکر می‌کنم بلکه تخصیص اعتبارات و امتیازات باید بر اسـاس استعدادها و عملکردها صورت گیرد. فکر می‌کنم اگر به دور از سوءظن‌ها و اختلافات اسـتعدادهای واقعی را کشف کنیم می‌توانیم در این مسیر موفق باشیم. در غیر این صورت استعدادهای جوان پژمرده خواهند شد و فرصت‌هایی که می‌توانست کشورمان را در جهان از نظر فرهنگی مطرح کند از دست خواهد رفت.

قدر بدانند

تنها آرزویی که من برای سینمای ایران دارم این است که مولیانش قدر آن چیزی که دارند را بدانند.

نقاله اوج سختی

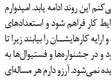

فرزاد مومنی

سال‌هاست که ما فیلمسازها شرایط تولیدی سختی را می‌گذرانیم و شاید اصل این سختی به نقاله اوج خود رسـیده باشد. می‌بینیم که جدول تولید فیلمها کم‌رونق است. اکران فیلمها هـم بـه ۰ جز یکی دو فیلم ـ چندان پاسـتقبال روبه‌رو نمی‌شود. از لحاظ کیفی هم نسـبت مخاطب انبوه و نه مخاطب خیلی جدی را به سـمت خود جذب نمی‌کند. در چنین شـرایطی تنها بسیار متوسطی تولید می‌شود. من فکر می‌کنم مشـکل بـر سر بعضی از تصمیم‌گیری‌های کلانی است که برای فرهنگ کشور گرفته شده است و به دلیل بافت اقتصادی سـینمای ایران اسـت که این از ابتدای انقلاب وجود داشـته و وجوه منفی آن در سال‌های اخیر بارزتر شده است. با توجه به کنترلی که ارشاد و سایر نهادهای نوظهور روی آنچه که فیلم‌ها می‌گیرند داشـته باشند اسـاساً سینمای ما دیگر به بخش خصوصی نسـبت داده‌ات در مضمون و محتـوا و روند تولید فیلم‌ها طمع باطن خصوصی نمی‌تواند فعال شـود و سرمایه‌ای را بگذارد چون واضح است که چنین سـینمایی پرینه و جاری‌تر نخواهد بود. به طور خلیـی فیلم‌ها یا کمک‌های دولتی ساخته می‌شوند اما مشکل اینجاسـت که این بودجه‌ها به هیـچ فیلمسـازی اختصاص داده نمی‌شود. یعنی این فرایی که به فیلمسـازی که پرونده ساخت دریافت می‌کرد مبلغی را کمک می‌کرد تا فیلم را به‌پفند. حتی اگر خیلی بقاء مثبتی روی فیلم نداشته‌اند اما آن این پول به همه داده نمی‌شود برای فیلم‌هـدهاهی من این اتفاق افتاد بعد از آن یک فیلم تجاری ساختم که به کمک فرایی احتیاجی نداشت اما فیلم بعدی من یعنی «خوابگردها» که سـال گذشته قصد ساخت آن را داشـتم به دلیل مشکلات مالی متوقف شد. حرکاتی که خود مسوولان ارشاد معتقد بودند فیلمی است که حرف دارد و بهترین فیلمنامه‌ای را داشـت که من در ۱۰ سال اخیر خوانده بودم اما این فیلمنامه در فرایی رد شد و حاضر نشـدند رایانی به آن پول دهند. از آن طرف هم سـرمایه‌گذارهایمان به تعهدات خودشان عمل نکردند. الان مسـتر تولید در سـینما طوری اسـت که اگر فرایی خواهد با شهرداری کمک‌تان کند فیلم‌تان ساخته می‌شـود و اگر شما در جهت‌گرام از این حوزه‌ها خودی نباشید نمی‌توانید فیلم‌تان را بسازید. تنها راه باقیمانده این اسـت. فیلمی را بسازید که تهیه‌کننده‌ها از شما می‌خواهند اما بنیه اقتصادی سینمای ایران به قدری ضعیف شده است که دیگر تهیه‌کننده‌ها هم جرات ندارند فیلم تجاری بسازند. یعنی حتی ساختن پوپک و مش‌ماشالا هم آرزو شده.

بی‌رعقی

ماهایاطروسیان

تنها اتفاق خوبی که سـال گذشـته در سـینمای ایران اتفاد جوایزی بود کـه فیلم «جدایی نادر از سـیمین» گرفت و در همه جهان مطرح شـد. این برای همه کسـانی که سینمای ایران را دوست دارند باعث افتخار بود ولی از آن که بگذریم درواقع هیچ اتفاق خوب دیگری در سـینمای ایران نیفتاد. چیزی به آن اضافه نشد که من فکر می‌کنم از جهات مختلف خیلی هم کم شد. این مسایل از سال گذشته با تعطیلی خانه سینما که خیلی در روحیه و وضعیت خود هنرمندان و اعضای خانه تاثیرگذار بود شروع شد و بعد از آن هم با اتفاقاتی که در اکران فیلمها و سـاخت فیلم در سال ۹۱ افتاد ادامه پیدا کرد. امسـال سال بی‌رمقی در تولید بود و می‌دانیم که درحال حاضر خیلی از دسـتاندرکاران سینمای ما کار نمی‌کنند. من در مورد کسانی حرف می‌زنم که واقعاً سال‌ها کار کرده‌اند صاحب ویژگی‌هایی در کارشان هسـتند و نه کسـانی که ما اسمشـان را نشنیدیم و در یکی، دو سال اخیر از کار در تلویزیون شروع کرده‌اند. مراکز مختلفی که در کنار سینما و در جهت رشـد و اکران فیلم‌های سینمای ایران تلاش می‌کردند حالا هرکدام مدعی شـده‌اند برای اینکه به چه فیلم‌هایی باید مجوز داده شـود و چه فیلم‌هایی باید اکران شـود یا نشود. در نتیجه فضای اختلاف بین افرادی که در سـینما کار می‌کنند و نهادهـای مربوط به آن به وجود آمد. این اتفاقات سـینما را تحت فشـار شـدیدی قرار داده که به سینمای ملی ما صدمه زده اسـت. از طرفی مسایل اقتصادی هم به شدت روی بخش خصوصی اثر گذاشته و دسـتش را برای کار بسته. افراد مسـتقل در سینما با مشکلاتی که جدیدا در اکران به وجود می‌آید اصلا آینده روشنی پیش روی خود نمی‌بینند و سینمای واقعی واقعا در بلاتکلیفی مطلق به سر می‌برد. من نمی‌دانم اصلا خواسته ما دیگر مهم است یا نه؟ برای عددی اصلا اهمیتی ندارد سینمای ایران فلج شود و رو به خاموشی برود. به نظر نمی‌رسد این افراد دغدغه‌شان سـینمای ایران باشد. در شرایطی که مثلا همین امسـال دسـتاوردهای مهمی در بخش‌های علمی و ورزشی کشور داشـتیم به چه دلیل سینمای ایران با دسـتاوردی که در ۳۰ سـال گذشته واقعا در حوزه فرهنگ و هنر افتخارآفرین بود به جایی برسد که به سـینمایی خاموش در منطقه و جشـنواره‌های جهانی تبدیل شود؟ چه چیزهایی باعث شده ارزش‌های موجود در این سینما نتواند خود را نشان بدهد؟

به نفع سینما

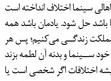

سامان سالور

من فکر می‌کنم وقتی اتفاقات سـال گذشته را همه کنار هم می‌گذاریم باید آخری از حرکت بکشیم و بگوییم من به سال دریغ از پارسال ـ اتفاق سال اتفاقاتی افتاد در باب فیلم‌هایی که پرونده نمایش داشـتند. درحال اکران بودند و از ادامه اکران محروم شدند. بروتق شدن فیلم‌های سینما در زمان اکران فیلمها و از بین رفتن علاقه تماشاچیان و حکمفرما شدن فضایی سرد بر سالن‌ها اتفاق به بعدی بود و در چند ماهه که گذشت تولید فیلم‌ها باز هم به سمت بزرگ شدن متحمرا فیلم‌های کوچک و گم شدن فیلم‌های مستقل و فرهنگی‌تر بود. امسـال شـاهد این بودیم که فیلم‌های به بار مانده‌ای را سـاخته شـود که بتوانیم مدت‌ها بعد دوباره از آن را ببینیم و و فضای نوستالژی‌اش لذت ببریم و را دیالوگ‌ها و شخصیت‌هایش سال‌هاست سینمای ایران فیلم این گونه نمی‌سازد. فیلمسازها سـمتش نرفتند، دارندهٔ و خسـتهٔ شدند. حتی اکران فیلم‌های فرهنگی و مطرح خاص و مستقل که پارسال با همان تعداد محدود سالن و سلس و تبلیغات کمش شروع شده بود امسال متوقف شد. حتی شاید که بادمان رفته است که سینما هرچند هم ـ صنعت است اما «هنر»هم‌تنیم است و در لبنا و چه هنری آن اسـت که در سرتاسـر دنیا باعث جدوانگی آن می‌شود و با همان اطلاعات کوچک و بزرگش ارتباط برقرار می‌کند. آرزویم برای سینمایی که دیگر اختلافی وارد و حتی جایی برای جمع شدن تشکل‌های مختلفش. این اسـت که مسوولانی که پشت میزهای تصمیم‌گیری‌های کلان فرهنگی هستند سعی‌شـان را بیشتر کنند و توجه داشـته باشند که آنچه باقی می‌ماند سینماسـت. کمابیشـه ما فیلم‌های بسـیار خوبی از تاریخ سینمای دنیا و سینمای خودمان بدیاد داریم که شاید آن هیچ‌گاه از عوامل سازندهاش در جهان هسـتی نفس نکشند ولی اگر مدرن‌ترین هنرها در جهان هسـتند و سینما هنر هفتم است و هنر هفتم باید بیاید و بیاید و بیاید و نمی‌شود هنوز هم نباید بیاید. اما با نه دقیق بیاید و بیاید و نمی‌شود هنوز هم ـ اما با بغض کینه‌ای. با وجود اینکه صاحبان این فیلم‌ها نیستند اما شاید این فیلم‌ها یک روز خوب ـ باید بیاید. یا گریه تنهایی‌مان باشد. امیدوارم تمامی فیلم‌هایی که در سالروز سینما حاشان بهتر شود و شناختشان از هم بیشتر، چراکه واقعا اینها ارتباط ارزش دارد که اینقدر تفاوت‌هایمان را به رخ هم بکشیم و باهمان را یکوبیم به زمین. بادمان نرود که بسیاری هستند که از این حرفه ارتزاق می‌کنند اما حتی نمی‌توانند روز و روزی زن و بچه‌شـان را دربیاورند و متاسفانه نه به کارهای دیگری دادهاند. بسیاری از بسیاری از بسیاری ـ اما بسیاری را از دست داده که حضور و فعالیت‌شان و استواری تفکرشان باعث شکل‌گیری گذشته واقعا در حوزه فرهنگ و هنر افتخارآفرین بود به جایی برسد که به سـینمایی خاموش در منطقه و جشـنواره‌های جهانی تبدیل شود؟ چه چیزهایی باعث شده ارزش‌های موجود در این سینما نتواند خود را نشان بدهد؟

بی‌مهری‌های بی‌پایان

هماروستا

امیدوارم حذف روز ملی سینما از تقویم به واسطه یک اشتباه بوده باشد اما حقیقت این است که در سال‌های اخیر بی‌مهری نسـبت به سینما بیشـتر و بیشتر شده اسـت. سینمایی که رو به رشد بود و کم‌کم داشت ایـران را با فرهنگ غنی مردمانش به دنیا معرفی می‌کرد، این روزها مورد بی‌مهری‌های فراوانی اسـت و من از این بابت بسـیار غمگینم. سینما نه فقط بار هنرمندان اسـت بلکه فواید این هنر برای ملت اسـت. به واسطه سینما می‌توان فرهنگ‌سـازی کرد و اندیشـیدن را برای مردم به ارمغان آورد. سـینما هنر ملموسی برای همه مردم اسـت؛ به این معنا که این هنر متعلق به طبقه خاصی نیسـت. در واقع بعد از تماشای یک فیلم خوب اندیشه وسعت می‌یابد و کسانی که جلو سینما را می‌گیرند در حقیقت اندیشیدن را از مردم می‌گیرند.

سینما را به حال خودش بگذارند

سعیدسهیلی

روز ملی سینما را فقط و فقط می‌توان از تقویم حذف کرد؛ اما نمی‌توان این روز را از ذهن و دل اهالی سینما از تقویم شخصی اهالی سینما از تقویم تاریخ سینما و حتی از دل و ذهـن مردم پاک کرد. تنها می‌توان این روز را از تقویم‌هـای کاغذی حذف کرد که این حذف هم در واقع اثری ندارد. چراکه این روز در ذهن همه اهالی سینما و دوسـتداران سینما حک شده. جایی که حذف آن امکان‌پذیر اسـت. آرزو می‌کنم سینما را به حال خودش بگذارند.

احترام به خود و مردم

امیرسماواتی

سـینما خارج از همه این نزاع‌های شـرق و غرب یا دعواهای بر سـر پول و جهت‌گیری‌هاسـت. به یاد داشته باشیم که یک فیلم خوب می‌تواند از مرزها بگذرد و جهان را مخاطب خود قرار دهد. من آرزو می‌کنم که سینمای ما به مردم هوش و ذکاوت بدهد. این وظیفه ماست که آگاهی را در مردم بالا ببریم. در حالی که امروز تعدادی از فیلم‌ها لایه‌لایه هسـتند و همین اثر بلاغت می‌شود مردم به ما بخندند. به امید روزی که به هوش و ذکاوت مردم و خودمان احترام بگذاریم.

فرصت بیان مفاهیم دینی و اعتقادی

حبیب‌الله کاسب‌زاد

تنهـا آرزویـم این اسـت که تمامی مفاهیم اخلاقی و دینی ما در سینما نمود پیدا کند و سینما این سـینما مفاهیـم را به مـردم انتقال دهـد و گونه چیز دیگری در سـینما به درد ما نمی‌خورد. به هرحال روز ملی سینما مثل تمام روزهایی که برای هر مناسبتی می‌سازند یک روز ساده اسـت. اما ما می‌توانیم از این اتفاقات در راه اهدای انقلاب و دین‌مان اسـتفاده کنیم. من به طور کلی انسـان خوش‌بین و امیدواری هسـتم و می‌دانم که این اتفاق در سینمای ما می‌افتد. اساس اینکه دوره سادات می‌سازند برای دغدغه‌هایی بود که داشتند. هرکسی برای خوداعتقادی دارد و من دغدغه‌های دینی زیادی دارم. برای بازنشسـتگی من ترسـیدم، وقتی به این باور رسـیدم که سینما بازنشسـتگی ندارد و خیلی از اهداف و حرف‌هایت را به سـینما می‌توانی بیان، آن را انتخاب کردم و به طور جدی هم پیگیرش بودم. با تلاش خودم به سینما رسیدم. به این حرفه امیدوارم و می‌دانم که می‌تواند دین و اعتقادات انقلابمان را برگرد کند.

بازار بین‌المللی

سیدعلیرضاسجادپور

آرزوی هم من برای سینما به دسـت آوردن بازار بین‌المللی اسـت. این مهم‌ترین آرزوی من برای سـینمای ایران اسـت. چون هم از نظـر قدرت فکری و نرم‌افـزاری و هم از نظر توان و بنیه در حدی هسـتیم که می‌توانیم سهم خودمان را از سینمای جهان بگیریم. سینمای ما در جهان امروز سهم اندکی را از بازاریابی دارد. این اصلا در شأن سینمای ما نیسـت. ما باید به عنوان یک قطب فرهنگی حدی جهان امروز که در عرصه سیاسـت و اجتماع حرف اصلی را می‌زنیم در عرصه هنر و به‌خصوص سینما که مهم‌ترین وسیله بیانی دنیای معاصر اسـت، بتوانیم حق و سـهم خودمان را از سینمای جهان و اکران جهانی بگیریم. هدف من هم به عنوان سینماگر و هم به عنوان مدیر سـینمایی این اسـت که جایگاه ایران در و سـینمای جهان محکم کنم. نه صرفا به صورت حضور در جشنواره‌های سیاسـزده بلکه به صورت حضور در بازارهای جهانی، به دسـت آوردن اکران بین‌المللی در درجه اول در کشورهای همجنسگرا و هیوفرنگ و همزبان و همدین‌مان و در درجه بعد دنیای غرب که همین‌طوری با سینمای ایران آشـنایت ولی از نظر بازار هنوز در ایران جایگاهی پیدا نکرده. گام‌های اولیه هم در این راه برداشته شده اما این گام‌ها اصلا کافی نیست. پارسال به دلیل فعالیت‌هایی که از سال قبل‌تر مقدماتش را فراهم کرده بودیم، سـینمای ایران موفق شد ۱۶ جدا نزدیک به ۱۵ میلیون دلار فروش بین‌المللی داشته باشـد و چندتا از فیلم‌های ایران به طـور همزمان در ایران اکران داشـتند. در خارج هم اکران شدند که این فروش به تنهایی بیش از فروش جمعی ۲۰ سـال گذشته سینمای ایران در خارج از کشور بوده ولی این کافی نیسـت و به دنبال جایگاه برتری هسـتیم. به‌خصوص با توجه به اینکه ایران پارسال توانست با فیلم خاص «جدایی نادر از سـیمین» رتبه جهانی پیدا کند و پس از ۵۰ سـال انتظار سینمای ایران و تلاشـش برای ورود به حیطه کسـار پارسال توانست جایزه اسـکار را به دسـت آورد؛ ما یک سال طلایی را فروصت داریم که این پتانسـیل و ظرفیت اسـتفاده کنیم که جایگاه و بازاریابی جهانی ایران را محکم کنیم. باید تولیدات ایران را در جهت تولید مشـترک که یکی از راه‌های دسـت‌یابی به بازار جهانی اسـت گسـترش دهیم. کمتر از ۳۰ ـ ۲۰ کشور برتر جهان در عرصه سـینما و امیدوارم در زمینه بازار بین‌المللی هم به این اتفاق دست پیدا کنند.

عکس: امیر مجیدی/ شرق

آرزوی ۱۰۰ سینماگر برای پرده نقره‌ای ایران

صد «نما» از آینده

در واقع نگوییم اسـکار آقای اصغر فرهادی بلکه بگوییم اسکار جدایی نادر از سـیمین برای سـینمای ایران. متاسفانه در این اوضاع خاص سینما که عملا دارد از راه مرز تعطیلی می‌کشاند و حاشیه‌های فراوانی که دارند برای سینما ایجاد می‌کنند من به‌شخصه جز همین یک مورد هیچ خاطره خوبی از سالی که به این سـینما گذشت ندارم. امیدوارم و تنها آرزویم این اسـت که کسـانی که در آینده مسوولیت سینما را بر عهده می‌گیرند دلسوزانه تلاش کنند که این سینما به مسیر اصلی خود برگردد و اهالی آن بتوانند با آرامش به کار خود مشغول باشند.

پرتقال‌فروش؟

مریلا زارعی

روز ملی سینما ـ خانه سینما ـ بازیگر سینما ـ سالن سینما ـ سینما تصور خیر می‌کنم نظرم را به طور واضح بیان کردم، خودتان بیا کنید پرتقال‌فروش را!

حرکت به جلو

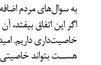

بارن کوثری

دلم می‌خواهد آرزو کنم کسانی مثل بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، سیامک بهاروند و... بتوانند راحتتر فیلم بسازند. دلم می‌خواهد آرزو کنم مسوولانی که در جایگاه‌های فرهنگی قرار دارند، بتوانند با سینما ارتباط بهتری و خیرخواه باشند نه فقط مسوولان سینمایی. برای حوزه نشاط، امیدات و ـ وظیفه خودشان کوچکی و رسالهٔ خودشان را هم بیرون کمک کنند و فکر می‌کنم آرزوی جمعی همه ما این است که به حداقل خواستها و حداقل حقوق صنفی‌مان برسیم و بتوانیم حقیقه سینمایمان را باز کنیم.

پیدا شدن مادری برای سینما

بیژن امکانیان

حدیث نقل شده از امام‌علی(ع) برای من همیشـه کاربرد زیبایی داشت. یک کارکـرد چندوجهی اجتماعی، اخلاقی و روانشناسـانه منظورم همان حدیثی است که دو زن ادعای مادری نوزادی را دارند. حضرت شمشـیر بالا می‌برد به قصد دونیم کردن آن و مادر واقعی با انصراف از حق خود به خاطر زنده‌ماندن کودک ثابت می‌کند او مادر واقعی اسـت و نه مدعی مقابـل. حالا در این مبحث امـدن شمشـیری که قرار اسـت بر پیکر نحیف سینمای ملی فرود آید جلوگیری کند. آرزویم پیداشـدن چنین مادری برای سـینماست.

آرزوی بیرشدن

محسن‌امیریوسفی

در یک سـال اخیر در بخشی از سـینما که آرام‌ترین دوسـتداشـتنی‌ترین قسمت آن اسـت یعنی سینمای مسـتند سرگرم بودم. خوشـبختانه از این لحاظ آرامش داشـتم ولـی در این آرامش یک ماهی سـرگولم به بیمارسـتان هم افتاد. مطمئنا این اتفاق نه از تعداد سینمای مسـتند بلکه نتیجه آثار و درگیری‌های پیش از آن بوده اسـت. به هرحال مثل همیشـه سعی می‌کنم خودمن بیش‌ازحد و امیدوار به اینکه شرایط سینمای ایران روزبه‌روز بهتر خواهد شد.

به دنبال تدبیر و انصاف

مهدی کرمپور

آرزو می‌کنم خدا دوباره تدبیر و انصاف را به ما برگرداند. آرزو می‌کنم به روزهای آرامتر برگردیم. روزهایی که در آن فرهنگ و هنر به معنای واقعی کلمه و خلق و اغراض سیاسی برای ما مهم‌ترین مسأله بود. آرزو می‌کنم سینمای ایران دوباره به جایی که حقش است و باید برسـد. مردم با فیلم‌های سینمای ایران آشتی کنند. مثل سال قبل که اصغر فرهادی عزیز فیلمش برفراز قله‌های دنیا ایستاد. برای فیلم‌های فرهنگ و هنر بالا بیرند. مهم‌تر از همه اینکه ادعایی که هیچ سرزمینی از آن خبر ندارند، بگذارند که حرفه ما را مهم، متین‌تر و فرهنگی‌تر به کارش ادامه دهد حـداقـل از بین ما رخت بربندد. منتقدان و روزنامه‌نگارها را به اینکه و اعلت و عداوت دعوت می‌کنم و سـینماگرهایمان را به اینکه بزرگ‌تر فکر کنند. مسوولان فرهنگی‌مان را به اینکه مملکت‌شان را بیشتر دوست داشته‌باشند.

ترس

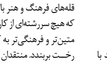

فرهاد آیش

سینمای ایران، امیدوارم حال‌تان بهتر شود. همین.

هنوز در نشده

حسن‌سودت

من فکر می‌کنم تعطیل بودن خانه سـینما در گذشـته خلائی بود که کاملا احسـاس می‌شد. این اتفاق از طرفی باعث کنـد شـدن و اختلال در امور صنفی شد و از طرف دیگر اختلافاتی به‌وجود آورد که نتیجه آن عقب‌رفت بود. با این حال ما طبق روال همیشه مشغول به تدوین فیلم‌هایمان و در خدمت سـینمای ایران بودیم. با وجود تعطیلی خانه سینما سعی کردیم فعالیت صنفی‌ای را تا آنجا که بشود حفظ کنیم. اعضایمان را در صنف نگه داریم و مشکلاتشان را درحد توان حل کنیم. انتظار داشتیم خانه سینما مجدد باز شود. هنوز هم در نشده و هنوز هم این اتفاق می‌تواند بیفتد.

حال بهتر

آهوخردمند

سینمای ایران. امیدوارم حال‌تان بهتر شود. همین.

اندکی آرامش

همایون‌اسعدیان

از پارسـال تا الان نتوانسـته‌ام تمام کرده اسـکار آقای فرهادی بعد از پارسـال هم فـرد دیگری که فیلم‌هایش را دوسـت دارم و به‌خوبی‌حال‌من کرد اسـکار آقای فرهادی بود. فیلم‌هایش را دوسـت دارم و به‌خوبی‌حال‌من کرد. اسـکار آقای فرهادی بود. اندکی آرامش.

ساختن آرزوها

فریدون‌حسن‌پور:

اصغـر فـرهـادی یک اسـکار به سـینمای ایـران اضافـه کرد و مـن امـیدوارم در سـال جدید دوسـتان فیلمسـازم موفق شوند فیلمنامه‌هایی را که «دوست دارند» بسازند.

سینمای دارای خاصیت

آزیتاحاجیان

از انجایـی که سـینمای ایران کامـلا بـه جامعـه ایـران متصل است بنابراین آرزوی ویژه‌ای برای سـینمای ایران ندارم. سـینما به نوع منعکس‌کننده زندگی مردم و در نتیجه مسـتقیم به جامعه است. ممکن است یک زمانی پیش‌فرض‌ها مردم باشد و یک زمان دیگر تلقی آنها اما در هر دو شـکلش باید سوالی به سوال‌های مردم افتاده یا سوالی از سوال‌های آنها کم کند. اگر این اتفاق بیفتد آن وقت می‌توان گفت سـینمای نسـبتا خاصیت‌داری داریم. امیدوارم این سـینمایی که برای مردم هسـت بتواند خاصیتی برای آنها داشـته باشد و خاصیت خودش را حفظ کند.

غرور و سربلندی

بهروزهرمند

برای سینمای کشـورم سـربلندی و غرور در مجامع جهانی را آرزو دارم، شـاید چون هنر، زبان مشـترک تمام دنیاسـت و شاید مهم‌ترین راه معرفی ملت آن که هنوز در قالب زندگی و خیرخواه بشـریت باشد. هنر ایرانی و مخصوصا سـینما وقتی درجای از زندگی وقتی مردم ایران را به دنیا نشان می‌دهد. سینمای اجتماعی و واژه‌های جدید سینمایی می‌توانند معرف ایرانی واقعی باشند که با تصویرش در رسانه‌ها بسیار متفاوت است.

هویت و تنوع

جواد طوسی

آرزویم این اسـت کـه سـینما شـاهد این تحـولات در سـینمای ایران باشـیم؛ یک مدیوم ایجاد شـده و از رکود، بلاتکلیفی و سـردرگمی رهایی یابد. دو با تنوع موضوعی و سـاختاری و تجربه درست زائرهای شاخص و مهجورمانده، به استانداردهای حرفه‌ای و قاعده‌مند نزدیک شـود. سـه فیلمسازانی که به زبان سینما اشراف و حرفی برای گفتن دارند، بتوانند بدون دغدغه مضامین مورد علاقه‌شان را به تصویر کشند و ارتباطی سالم و سازنده با مخاطبان برقرار کنند و در چرخه رقابت حرفه‌ای، تصویر منناسبی از نگاه معاصـر خود ارایه دهند. چهار، نگاه و تفکر غیردولتی بر سینمای ایران حاکم شود.

افسوس

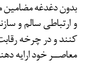

فرشته‌طاهرپور

ایـران، سـینما دارد، یـک سـینمای ملـی، ایـن سـینمای ملی، جایگاهی جهانی دارد... و چهره‌هایـی مثل‌زدنـی دارد... حتـی صنف دارد... جشـن خانـه صنف، حتی اگر جلوی برگزاری‌اش را گرفته باشـند... روز ملی دارد، حتی اگر از تقویم‌ها حذف شـده باشـد... و در همه نشریات کشور یا صفحه‌ای به‌نام خود دارد یا جایی در صدر اخبار. برای این سـینمای ملی، خیلی‌ها آرزوهای خوب دارند و خیلی‌ها نقشـه‌های بد. خیلی‌ها به دیروز و آموزش مفتخر و به آینده‌اش امیدوارند و خیلی‌ها از گذشته‌اش متنفرند و بر مدیریت متفـاوت دارد. آرزو رویا و تخیل همان‌قدر که در بخش خلاقیت سـینما کاربرد مثبـت دارد، می‌تواند در حوزه‌های دیگر آن فاقد کارایی باشد. صنعت سینمای یک کشور از نمی‌توان با ای کاش و اگر و رویاپردازی اداره کرد. من چگونه برای امروز و فردای این سـینما آرزویی کنم. من از کدام فضل مشـترک، حرف مشـترک، روش مشـترک، اخلاق مشترک، تحول مشترک و تلاش مشـترک بر صفحه شـما سیاهه بنویسم. من از کدام بخش این دوران برای جریده شـما چیزی بنویسم که خودتنی و مقدتی باشـد؟ ـ از آغازش؟ از اوجش؟ از پارسـال و امسالش؟ یا از فردایش که حافظه سینما دارد حکایت همه ما را برای تاریخ فرهنگ این کشور نقل می‌کند و امتال من جز افسـوس چیزی در دل نداریم؟ بگذارید جلوی جولان آرزو کنیم... ما انقدر پس شده‌ایم که آرزو بر ما دیگر عیب به حساب می‌آید.

سینما، هنر بی‌بحران

احمدطالبی‌نژاد

در قفدان روی ملی سینما سینما نیسـت؛ سـینما زنده است و این امر ربطی بـه تقویم، تاریخ ما و مسـایل سیاسی و اجتماعی ندارد. سـینما را هنر بی‌بحـران می‌نامند؛ یک‌صـد سـال اخیر و در کنون تمامی حوادث مهم تاریخی از جنگ جهانی دوم، وضع اخیر سینما تصویر کرده‌اند. سینما تریک‌ها تنها یک قلب دوم را گرد کرده و فضا و وضع اجتماعی نیاز به تغذیه روحی و روانی دارند. البته تخلیه همه فشارهای ناشی از بحران‌ها، بنابراین با خطر زمن روز ملی سینما از تقویم، سینما را نمی‌توان حفظ کرد. سینما هنر ـ صنعتی است که با زندگی اجتماعی امروز مردم جهان پیوندی قوی‌تر و محکم دارد. پس متبرک بدانامش و «ها همچنان دوره می‌کنیم، شب و از روز را، هنوز را»!

آرزوی روزهای بهتر

مصطفی‌شایسته

روز ملی سینما را گرامی می‌دارم و برای دست‌اندرکاران سـینمایی آرزو دارم با همدلی و اتحـاد روزهای بهتری داشـته باشند. امیدوارم سـال آینده برای اهالی سینما سـال بهتری باشد و مشکلاتی که برای سینما در سال گذشته پیش آمد، سـال آینده برطرف شـده باشد؛ مشکلاتی که در خانواده سینما و باغت جدایی سینمایی‌ها بود برطرف شود و همه در کنار هم برای تعالی سینما تلاش کنیم.

افتخار با چاشنی شعرپوشی

روبرت صفاریان

این روزها با تعدادی از دوسـتان قدیمـی که در خارج از کشـور زندگی می‌کنند دیدارهایی داشتم. آنها افتخـار می‌کردند که فیلمی مانند «جدایی نادر از سـیمین» در ایران تولید می‌شود و مورد توجه سینماگران و منتقدان کشوری قرار می‌گیرد که در آن زندگی می‌کنند. آنها خوشحال بودند که مردم دنیا ایران را با سینمای ایران بشناسند. با وجود اینکه عکاه آنها را به فیلم «جدایی...» کمی سـاده‌انگارانه می‌دانستم، اما صحبت‌هایشـان برایم قابل درک بود. چه بهتر از اینکه تو با محصولات فرهنگی کشـورت بشناسند. آن هم نه تنها فرهنـگ کهن ایرانی، نه‌تنها جاهـت و خیلب، بلکه با

محمدعلی‌طالبی

خوشـحالم که سـینمای ایران با همه مشـکلات همچنـان روی پا ایستاده و سع